

روایت بانوی مسیحی که حامی فرزندان یتیم کمیته امداد شد

معجزه را به چشم خود دیده است، شاید گفتن این جمله درباره «آیلین باغدا سارباس نژاد» دختری از ارامنه کشورمان بی‌جهت نباشد، زمانی که از اینجا رانده و از آنجا مانده، تنها راه‌حل را توکل به خدا و نذر کردن دید.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، همه چیز برای «آیلین» از یک مشکل بزرگ شروع شد، دختر ۳۳ ساله که پرستار است. به قول خودش، تا همین ۷، ۸ ماه قبل، نبض زندگی در دستش بود و ضربان قلب زندگی‌اش، روتین، با آهنگی موزون در جریان بود؛ او به زندگی‌اش می‌پرداخت، علایق خودش را داشت و در هر شیفت کاری هم در شغل پرمشغله‌اش، پرستاری حاضر می‌شد و به حال بیمارانش می‌رسید.

اما زندگی دست‌اندرزهای خاص خودش را دارد و گاهی هم ریتم زندگی، از مدار خارج می‌شود، اتفاقی که برای آیلین هم افتاد و رشته امور زندگی از دستش خارج شد. مشکلی که البته به جزئیاتش نمی‌پردازیم اما تعریف می‌کند که زندگی‌اش را با چالش بزرگی روبه‌رو کرده بود. ضربان قلب زندگی‌اش، افتان و خیزان شده بود و کمیته زندگی‌اش، لنگید.

آیلین تعریف می‌کند که آن زمان نمی‌دانست باید چه کار کند و ذهنش مشوش شده بود، در همین آشوب ریتم زندگی، اما راه‌حلی به ذهنش رسید. او می‌گوید: «در همه زمان‌هایی که مشکلی برایم پیش می‌آمد، دعا می‌کردم و از خدا می‌خواستم که کمک کند.» شاید به خاطر همین بود که آیلین به قول خودش، تیر آخر را زد و اتفاقاً به هدف هم زد.

«همیشه هر وقت، راه‌حل دیگری وجود ندارد، هر زمان که دیگر مشکل خیلی حاد باشد، با نذر کردن مشکل را حل می‌کنم.» این بار اما نذر این دختر ارامنه، با نذرهای دیگرش، فرق داشت، او می‌گوید که مستاصل و درمانده از حل مشکل بود که یکی از دوستان خانوادگی‌اش، به او پیشنهاد داد، پیشنهادی که البته به مذاق دختر هم خوش آمد؛ دوست خانوادگی به آیلین پیشنهاد داد سرپرستی ایتام کمیته امداد را برعهده بگیرد. آیلین هم پیش از این به این موضوع فکر هم نکرده بود و اتفاقاً، این ایده به نظرش جالب آمد، به خاطر همین، تصمیم گرفت که ایده را اجرا کند، اما نمی‌دانست که باید برای سرپرستی معنوی ایتام، چه کار کند؟

این دختر پرستار می‌گوید: «دوست خانوادگی پیشنهاد داد که به کمیته امداد امام خمینی (ره) مراجعه کنم و از آنجا، حمایت فرزندی را به صورت معنوی قبول کنم.» آیلین تعریف می‌کند که از قبل نمی‌دانسته است که در کمیته امداد این خدمات وجود دارد و می‌تواند فرزندی را حامی شود؛ بنابراین با شور و شوق، پروسه را انجام داد و نتیجه از آن چیزی که فکرش را هم می‌کرد، عجیب‌تر بود. او می‌گوید که چند روز بعد از قبول حمایت، مشککش حل شد، حتی خودش هم تعجب می‌کند چراکه در حل مشکل ناتوان بود و خیلی هم شوکه شده که مشکل چه طور رفع شده است؛ البته که این اتفاق را از برکات کار خیر و نذری که کرده است، می‌داند.